

# کیمیاخان

آنچه مراد و مطلوب از علم در آموزه‌های قرآنی است و بر لزوم یادگیری و فراگیری آن تاکید بسیار شده و آن را واجب همانند نماز و روزه شمرده‌اند، علم دیگری است که در روایات از آن به علم نوری تعبیر کرده‌اند که قلب‌ها و دل‌ها را روشن می‌کند و موجب هدایت شخص و دیگران به سوی کمال باطنی و روحانی می‌شود. در روایت است که امام صادق(ع) فرمود: **العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء؛ علم نوری است که خداوند در دل‌های هر کس که بخواهد می‌افکند.**(بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴)

این همان **علم حضوری** یا **شهودی** است که با ذات آدمی آمیخته می‌شود و جزو جوهر ذات آدمی شده و نه تنها در دنیا او را متحول می‌سازد بلکه با او چون نور تا قیام قیامت نیز همراه است.

با این همه، علم نوری و شهودی نیز دارای مراتبی است که در ادامه این نوشتار علل و عوامل و آثار وجودی آن و نیز مراتب یقین براساس آموزه‌های قرآنی تبیین خواهد شد.

\*\*\*

**اطمینان و آرامش قطعی و حقیقی**

حضرت ابراهیم(ع) یکی از بزرگ‌ترین پیامبران خدا و پیامبری اولوالعزم است که سر سلسله سه دین بزرگ جهانی اسلام، یهودیت و مسیحیت و اولین منادی جهانی توحید و پرچم دار کمالات انسانی و اسوه بشریت به شمار می‌رود. وی پس از سال‌ها پیامبری، با خود اندیشه می‌کرد، چگونه مردگان از خاک بر می‌خیزند و رستاخیز و جسمانی تحقق می‌یابد. او دوست می‌داشت تا تجربه عینی و حسی از آن داشته باشد و همانند رجعت، آن را ببیند تا شاید این اضطراب و دلهره‌اش نسبت به معاد جسمانی پایان یابد. از این رو به پیشگاه خداوند عرضه می‌دارد که بار الها!اگر می‌شود کیفیت رستاخیز و زنده کردن مردگان را به من نشان دهی، خداوند بـــه وی می‌فرماید: مگر به معاد و رستاخیز جسمانی ایمان نداری؟ حضرت در پاسخ خداوند می‌فرماید: بله که ایمان قلبی به رستاخیز دارم ولی می‌خواهم دلم آرامش یابد و به مقام اطمینان برسد. (بقره آیه ۲۴۰)

به نظر می‌رسد که اطمینان و آرامش قلبی که از راه مشاهده حسی و عینی حقایق به دست می‌آید غیر از آرامش‌هایی است که از طریق علم حصولی و شنیدنی‌ها به دست می‌آید. از این رو می‌توان گفت که اطمینان قلب می‌تواند از راه‌های مختلف چون مطالعه قصه‌های پیامبران و تحصیل علم حصولی (هود آیه ۱۲۰) و راه دیگری به دست آید که در بحث اطمینان می‌بایست به همه آنها پرداخته شود، ولی آنچه این اطمینان را به نوعی آرامش خاطر تبدیل می‌کند همان مشاهده عینی حقایق و بلکه مراتب بالاتر آن یعنی شهود حقی که خود نوعی همداتی با معلوم است، می‌باشد.

انسان گاه با چیزی مواجه می‌شود و تنها نسبت به آن علم حصولی پیدا می‌کند که قابل تشکیک است مانند علمی که شاگرد از استاد و آموزگار خویش در مدرسه از طریق مفاهیم و الفاظ و اصطلاحات به دست می‌آورد. این علم بسیار سست بنیاد است و هرمد کافی که به پایه آن بنیاد گذاشته شده فرو می‌ریزد و این‌گونه است که دوراهی به‌عنوان بحران هویت علمی پدید می‌آید و شخص

و نگرش‌ها و نوعی سفسطه گرفتار می‌یابد و نسبت به همه چیز بی‌اعتماد می‌شود و با بحران هویت مواجه می‌گردد. مرحله دیگر، علم حضوری و شهودی است که خود دارای مراتبی سه‌گانه است. این مرحله دیگر فراتر از علم حصولی است و از آن به یقین در آیات قرآن یاد می‌شود.

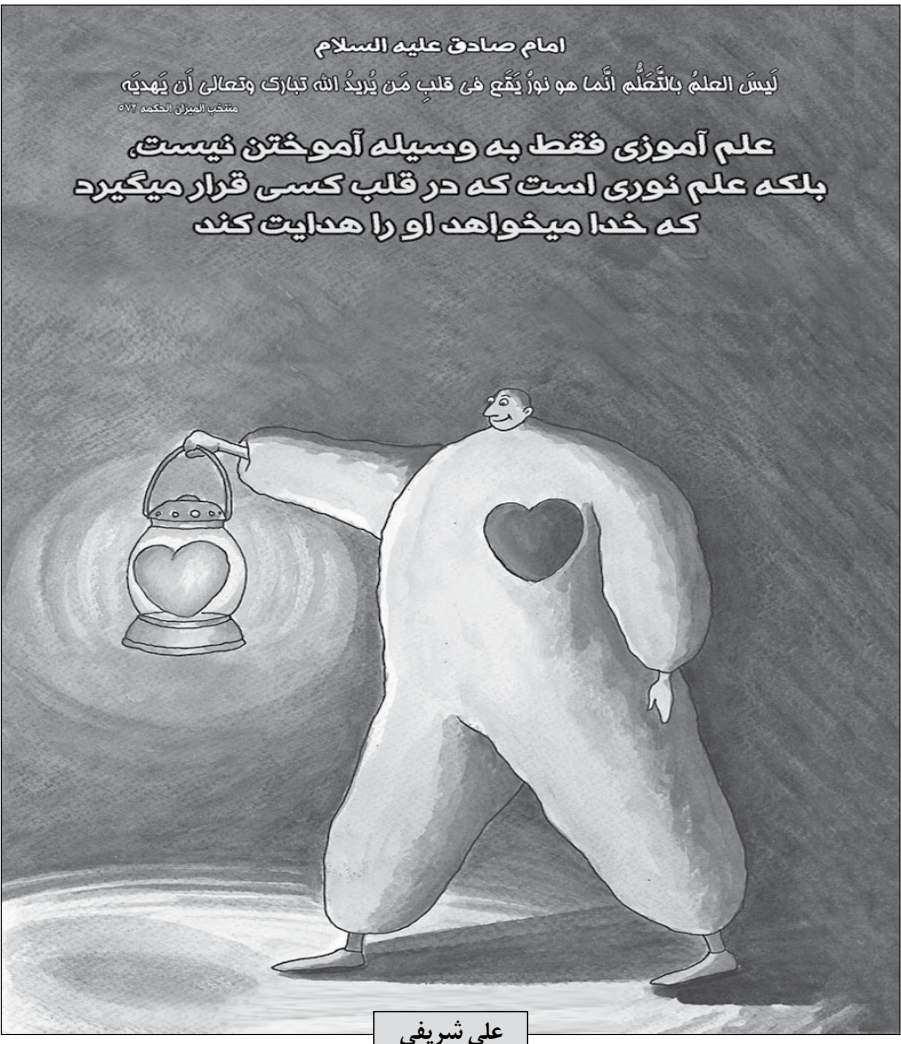
**جستی‌یقین**

یقین به علوم شهودی اطلاق می‌شود، از این‌روست که در آیات قرآن از مرگ نیز به‌عنوان یقین تعبیر شده است؛ زیرا در هنگام مرگ، همه پرده‌هایی که بر دل‌ها و چشم‌ها و گوش‌ها قرار دارد و مانع دیدن و شنیدن و فهمیدن است بر کنار می‌شود، چنان‌که خداوند در آیه ۲۲ سوره ق می‌فرماید: به محض‌در هنگام مرگ می‌گویند: واقعاً که این حال سخت در غفلت بودی. پس ما پره‌دات را از جلوی چشمتان برداشتیم و دیدہات امروز نیز است.

بنابراین یقین یا همان علم شهودی برای بسیاری از مردم درباره مسائل مهم و اساسی هستی پس از مرگ حاصل می‌شود. انسان‌ها تنها در مورد برخی از امور جزئی چون وجود خویش و یا غم و ششادی، علم شهودی و یقینی دارند اما نسبت به اموری چون

سودی به حال وی نداشت و او را از غرق شدن(یونس آیه ۹۰) و آتش دوزخ رهایی نبخشید. (غافر آیه ۶۴)
خداوند در آیه ۹۹ سوره حجر از پیامبر(ص) به‌عنوان اسوه بشریت می‌خواهد که عبادت خویش را تا هنگام مرگ و رسیدن به یقین (مرگ) ادامه دهد، زیرا آفرینش انسان برای عبودیت و بندگی خداوند است(ذاریات آیه ۵۶) و این عبودیت است که آدمی را به کمال مطلق و همانند و مثاله شدن با خدا می‌رساند. چنان‌که اگر عبودیت به درستی و براساس آموزه‌های شریعت انجام شود انسان به نوعی یقین و مرگ اختیاری می‌رسد که کشف‌الغطاء در همین دنیا حاصل می‌شود. چنان‌که برای معصومان و بسیاری از پیامبران و اولیای الهی حاصل شد و ملکوت هستی را در همین دنیا دیدند که از جمله ایشان حضرت ابراهیم است که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: و این گونه، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایان‌دیدم تا از یقین‌کنندگان باشد.(انعام آیه ۷۵)

پس آن حضرت(ع) در همین دنیا به یقین و مرگ اختیاری رسید و توانست شهود کاملی از ملکوت آسمان‌ها و زمین داشته باشد.



# راه رسیدن به علم نوری و یقین

امیر مومنان علی(ع) درباره خویش می‌فرماید: **لَوْ کُفِّ عَظْمًا، مَا ارْتَدَّتْ قِیْمَتُهُ** اگر پرده‌ها به وسیله مرگ کنار رود چیزی بر یقین من افزوده نمی‌شود(کشف‌الغمة، ج ۱، ص ۱۷۰). زیرا ایشان به مرگ اختیاری همه پرده‌ها را کنار زده‌اند و دیگر پرده‌ای نمانده است که موجب شود تا با کنار رفتن آن در اثر مرگ اجلی به حقایق دیگری دست یابند که پیش از این بدان نرسیده و کشف و شهود یقینی نداشته است.

**مراتب یقین، رویت و شهود**

برای یقین مراتب سه‌گانه‌ای است که در آیات قرآن بدان اشاره شده است. مرتبه نخست آن را علم البیقین می‌گویند و آن مرتبه‌ای است که گاه از آن به نظر نیز یاد می‌شود. انسان‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از ابزارها و منابع شناختی حسی به علم‌البیقین برسند. خداوند در آیه ۱۸۵ سوره اعراف از مردمان می‌خواهد که علم حضوری را در کنار علم حصولی به کار گیرند و با نگاه به آسمان و نگریستن در آیات مشهود هستی به حقیقت مرگ و شهود عالم برزخ باشد. ایمان زمانی سود می‌دهد که مرگ را مشاهده نکرده و یا با عذاب دیداری نداشته باشند. از این‌روست که ایمان فرعون هنگام دیدن عذاب الهی هیچ

برای یقین مراتب سه‌گانه‌ای است که در آیات قرآن بدان اشاره شده است. مرتبه نخست آن را علم البیقین می‌گویند و آن مرتبه‌ای است که گاه از آن به نظر نیز یاد می‌شود. انسان‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از ابزارها و منابع شناختی حسی به علم‌البیقین برسند. خداوند در آیه ۱۸۵ سوره اعراف از مردمان می‌خواهد که علم حضوری را در کنار علم حصولی به کار گیرند و با نگاه به آسمان و نگریستن در آیات مشهود هستی به حقیقت مرگ را مشاهده نکرده و یا با عذاب دیداری نداشته باشند. از این‌روست که ایمان فرعون هنگام دیدن عذاب الهی هیچ

مسئولیت نگهداری، مسئولیت بهره‌برداری، ما باید حساب خودمان را برسیم، آیا ما مردم مسلمان چنین رُشدی داریم... اگر ما چیزی را ندانیم و نشاناسیم، چگونه می‌توانیم آن را حفظ و نگهداری کنیم و از آن بهره‌برداری کنیم؟»(استاد مطهری همان، ص ۱۶۰)
**آموز‌های وحیانی، مایه اعتلا و سربلندی**

تاریخ اسلام گواه آن است که هر وقت مسلمانان از سرمایه عظیمی به نام اسلام به درستی استفاده کردند و امکانات و نعمات خداداده را در راه شناخت و استفاده هرچه بهتر از آن به کارانداختند، پیشرفت و توفیقات بزرگی را به نام خود در کتاب قطور تاریخ عالم ثبت کرده‌اند و هر وقت قدر این سرمایه عظیم و آموزه‌های حیاتبخش و عزت آفرین آن را ندانستند، در جازه‌ودر

ورطه عقبماندگی گرفتار شده‌اند. این واقعیت که به راحتی با استناد به مدارک و شواهد بسیار تاریخی (مثل پیشرفت سریع دعوت پیامبر(ص)، توسعه برق آسیا قلمرو سیاسی و جغرافیایی سرزمین اسلام، ظهور تمدن باشکوه و قدرتمند اسلامی از اوایل قرن هشتم میلادی و...) قابل اثبات است، در واقع مصداق عینی و عملی کلام الهی است که در می‌فرماید: «لقد انزلنا لکم کتابا فیه ذکرکم، افلا تعقلون»(سوره انبیا، آیه ۱۰۱) ما در این کتاب هراَنچه مایه سربلندی و عزت شمامست آورده‌ایم، چـــرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید. کتابی که خطاب به پیامبرش، که قبل از رسالت، چوپانی درس نخونده بود می‌گوید: «فما کن لک ذکرک»(سوره اشراح، آیه ۴) ما نام تو را رفا و همیشه تاریخ بلند آوازه شناسیم،

در این باره استاد مطهری می‌نویسد:«... مانام تو را بلند کردیم، یعنی به تو در زندگی دنیا شرف و افتخار دادیم که نام تو به بزرگی در دنیا برده شود... کلمه «ذکر» در قرآن به این معنا هم آمده، به همین مناسبت مفسّرین گفته‌اند که در این‌جا مقصود این است که آدمی مردم‌ها، کتابی فرستاده‌ایم که این کتاب شرف شمامست، یعنی مایه اعتدلی ذکر شمامست، مایه بلند شدن نام شمامست، شما نمی‌دانید و نمی‌فهمید... شما اگر به این کتاب ایمان بیاورید و گرایش پیدا کنید و تعلیمات این کتاب را به کار بیندید، شما مردمی که امروز خاموش‌ترین و بی‌نام‌ترین و حقیرترین مردم دنیا هستید،شرافت و عزت و نام و افتخاری در دنیا پیدا می‌کنید که استمان بر اسم خداوند است و سبب عزت و شرف شما می‌گردد»(تخلل ۷۸)
**سرمایه‌های بزرگ به نام «عاشورا»**
یکی از سرمایه‌های عظیم معنوی و گنجینه‌های معرفتی که فراتر از یک موضوع صرفا تاریخی، می‌تواند ما را در جهان پیچیده و زندگی پرفراز و نشیب، یاری دهد و در حل مشکلات فردی و اجتماعی مددکار و دستگیرمان باشد، قیام جاوید و نهضت اصلاحی امام حسین بن علی(ع) و ماجرای پر معنای عاشوراست. قیام و حادثه‌ای که اولا خود چون پر آموزه‌های الهی وقرآنی تکیه داشت، برخلاف خواسته دشمنان و یزیدیان در صحرای فتنیده کربلا محصور و زیر ششزار آن مدفون نشد، بلکه به سرعت «ذکر» آن کل مملکت وسیع و امپراطوری اسلامی را در بر گرفت ودر طول تاریخ و تا امروز وظهوری مورد توجه جهانیان قرار گرفت و ثابا باز چون این حادثه «پرتوی از قرآن» و تجلی عملی آموزه‌های الهی است، هر چند زمان می‌گذرد و عمر بشری می‌شود، تازه‌تر و کارآمدتر شده و ابعاد و معنای تابای از آن کشف می‌شود.
**ضرورت شناخت ظرفیت عاشورا**
برای استفاده صحیح و بهینه از این ظرفیت و سرمایه عظیم فکری و معرفتی و به کار بستن درس‌های آموزنده و متشکل گشایی آن باید قبل ازهر کاری آن را

## معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

## بسیاری از مردم زمانی که با مرگ مواجه می‌شوند و پرده‌ها کنار می‌رود به حقایق علم شهودی پیدا می‌کنند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. اما واکنش‌هایشان نفعی به حالشان ندارد؛ زیرا ایمان می‌بایست پیش از دیدن مرگ و شهود عالم برزخ باشد. ایمان زمانی سود می‌دهد که مرگ را مشاهده نکرده و یا با عذاب، دیداری نداشته باشند.

و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد؟ پس به کدام سخن، بعد از قرآن ایمان می‌آورند؟ به نظر می‌رسد که حضرت ابراهیم(ع) چنین مرتبه از شهود یقینی را از خداوند می‌خواست که موجبات اطمینان وی شود؛ زیرا عالم رستاخیز از نظر زمانی برای انسان متاخر است و پس از زمانی اتفاقی می‌افتد و حضرت می‌خواست نوعی از آن را در این زمان تجربه کند. از این‌روست که منابع حسی برای دست‌یابی به این نوع شناخت ملکوت رستاخیز و کیفیت معاد جسمانی مورد نظر وی بوده است و خداوند نیز از وی می‌خواهد که پرندگانی را بگیرد و آنها را بکشد و خرد کرده و با هم پیامبرد و سپس در کوه‌های مختلف پیراکند تا دوباره با خواندن‌شان جمع شده و زنده گردند.(بقره آیه ۲۴۰)

حضرت موسی(ع) نیز رویت شهودی خداوند را در دنیا می‌خواست که از آن به نظر و رویت تعبیر می‌کند که خود نوعی مشاهده حسی حقایق است که خداوند به وی جواب رد می‌دهد؛ زیرا مشاهده حسی حقیقت خداوند امکان‌پذیر نیست؛ اما به وی پیشنهاد می‌دهد تا به تجلی خداوند در مقام شهود حسی بنگرد که آیا این تجلی را بر می‌تابد تا چه رسد که مقام برتر را می‌خواهد مشاهده کند: و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن عرض کرد: «پروردگار، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم.» فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید، لیکن به کوه بنگر، پس اگر بر جای خود قرار گرفت بزودی مرا خواهی دید.» پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود، آن را ریز ریز ساخت و موسی بیهوش بر زمین افتاد و چون به خود نسبت گفت: «تو منزه‌ای به درگاهت توبه کردم و من نخستین مومنم.»(اعراف آیه ۱۴۳)

کاربردهای قرآنی نگریستن نشان می‌دهد که مراد مشاهده حسی حقایق است که نوعی اطمینان به وجود می‌آورد. همین مسئله در داستان عزیز نیز وارد شده است که می‌فرماید: یا چون آن کس که به شهری که بام‌هایش یکسُر فرو ریخته بود، عبور کرد او با خود می‌آ گفت: «چگونه خداوند، اهلـ! را این‌ویرانکده!» را پس از مرگشان زنده می‌کنند؟. پس خداوند، او را (به مدت] صد سال می‌راند، آنگاه او را برانگیخت، او به اوآ گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا پشام‌رای از روز را درنگ کردم.» گفت: «اَنـ! بلکه صد سال درنگ کردی، به خوراک و نوشیدنی خود بنگر که طعم و رنگ آن تغییر نکرده است و به درازگوش

خود نگاه کن اَکه چگونه متلاشی شده است. این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گویم!» و هم تو را از مورد معادالانسانی برای مردم قرار دهیم. و به [این] استخوان‌ها بنگر، چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم.» پس هنگامی که آنچه‌گویی زنده ساختن مرده را برای او آشکار شد، گفت: «[آکتون] می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.» (بقره، آیه ۲۵۹)

در هر حال نخستین مرتبه از یقین و شهود، دانشی است که از راه منابع حسی شناخت به دست می‌آید. از این‌رو گفته‌اند که مشاهده تأثیر گذارتر در جان‌ها از شنیده‌هاست. دانشی که از راه گوش به دست می‌آید دانش حصولی است ولی آنچه به دیده می‌آید شهودی است هرچند که به علیی که جای بحث در اینجا نیست، مرتبه نخست شهود و یقین می‌باشد.

مرتبه دوم از شهود و دانش شهودی همان است که از آن به رویت تعبیر می‌شود و در فارسی از آن به دیدن یاد می‌کنند. این دیدن نوعی هم ذات‌پنداری با مشهود و معلوم

## تاریخ اسلام گواه آن است که هر وقت مسلمانان از سرمایه عظیمی به نام اسلام به درستی استفاده کردند و امکانات و نعمات خداداده را در راه شناخت و استفاده هرچه بهتر از آن به کارانداختند، پیشرفت و توفیقات بزرگی را به نام خود در کتاب قطور تاریخ ثبت کردند و هر وقت قدر این سرمایه عظیم و آموزه‌های حیاتبخش و عزت آفرین آن را ندانستند، در جازده و در ورطه عقبماندگی گرفتار شده‌اند.

را به کار بیندید، شما مردمی که امروز خاموش‌ترین و بی‌نام‌ترین و حقیرترین مردم دنیا هستید،شرافت و عزت و نام و افتخاری در دنیا پیدا می‌کنید که استمان بر اسم خداوند است و سبب عزت و شرف شما می‌گردد»(تخلل ۷۸)
**سرمایه‌های بزرگ به نام «عاشورا»**
یکی از سرمایه‌های عظیم معنوی و گنجینه‌های معرفتی که فراتر از یک موضوع صرفا تاریخی، می‌تواند ما را در جهان پیچیده و زندگی پرفراز و نشیب، یاری دهد و در حل مشکلات فردی و اجتماعی مددکار و دستگیرمان باشد، قیام جاوید و نهضت اصلاحی امام حسین بن علی(ع) و ماجرای پر معنای عاشوراست. قیام و حادثه‌ای که اولا خود چون پر آموزه‌های الهی وقرآنی تکیه داشت، برخلاف خواسته دشمنان و یزیدیان در صحرای فتنیده کربلا محصور و زیر ششزار آن مدفون نشد، بلکه به سرعت «ذکر» آن کل مملکت وسیع و امپراطوری اسلامی را در بر گرفت ودر طول تاریخ و تا امروز وظهوری مورد توجه جهانیان قرار گرفت و ثابا باز چون این حادثه «پرتوی از قرآن» و تجلی عملی آموزه‌های الهی است، هر چند زمان می‌گذرد و عمر بشری می‌شود، تازه‌تر و کارآمدتر شده و ابعاد و معنای تابای از آن کشف می‌شود.
**ضرورت شناخت ظرفیت عاشورا**
برای استفاده صحیح و بهینه از این ظرفیت و سرمایه عظیم فکری و معرفتی و به کار بستن درس‌های آموزنده و متشکل گشایی آن باید قبل ازهر کاری آن را

صفحه ۷

یک‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۱

۲ محرم ۱۴۴۴ – شماره ۳۸۴-۲۳

## چراغ راه

### عقوبت استدراج

**قال الامام الحسین(ع): «الاستدراج من الله سبحانه لعبيده ان یسبغ علیه النعم ویسلبه الشکر».**
امام حسین(ع) فرمود: استدراج(عقوبت) خداوند نسبت به بنده خود، این‌گونه است که نعمت‌های سرشار خود را به او می‌بخشد و توفیق شکر و سپاسگزاری را از او سلب می‌کند. <sup>(۱)</sup>

۱- بحرالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۷

## حکایت خوابان

### پاسخ امام حسین(ع)

### به مخالفت با رفتن به کوفه

امام حسین(ع) هنگام بیرون رفتن از مکه به سوی «عبدهالله ابن عباس» نظر خواست. ابن عباس گفت: اگر بر من و تو عیب نبود، با دستانتان بر سرت چنگ می‌انداختم (و نمی‌گذاشتم بروی). پاسخ امام حسین(ع) این بود: اگر در فلان‌جا (کربلا) کشته شوم، محبوب‌تر است نزد من از اینکه حرم خدا و پیامبر او شکسته شود. ابن عباس گفت: این سخن مرا برای (شهادت) او راضی کرد. <sup>(۱)</sup>

۱- المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۹، ح ۲۸۵۹

## پرسش و پاسخ

## آسیب‌شناسی

### عزاداری امام حسین(ع) (۲)

**پرسش:**

**چه آفات و آسیب‌هایی اهداف و حکمت عزاداری سالار شهیدان امام حسین(ع) را تهدید می‌کند و باید در مراسم‌ها و مناسبت‌های مختلف عزاداری، از آنها دوری و سلامت عزاداری را تضمین کرد؟**

در بخش نخست پاسخ به این سوال به موضوعاتی همچون: تالش دشمنان در جهت مسخ ارزش‌ها و مهم‌ترین آفات مجالس عزاداری شامل: ۱- تحریف اهداف عزاداری ۲- استناد به منابع غیرمعتبر ۳- گزارش‌های دل‌تبار پرداختیم، اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

**۴- غلو**

متأسفانه گزارش‌های ذلت‌بار شامل: پایین آوردن مقام و شأن اهل بیت(ع) از جایگاه واقعی آنها و غلو و بالا بردن آنها از جایگاه اهل واقعی، هر دو فـت در برخی مجالس مرتیه‌سرایی مشاهده می‌شود.

باید دانست کسانی که در مجالس عزاداری، اهل بیت(ع) را جایگزین خدا می‌کنند و به آنان مقام خدایی می‌دهند، و به جای خدا محور کردن مجالس امام حسین(ع) و پیوند دادن دل‌ها به خدا از طریق اهل بیت(ع) که ابواب الهی هستند، مردم را به علی‌اللهی، حسین‌اللهی و زین‌بالی‌هی و... شدن دعوت می‌کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه در خدمت اهداف دشمنان قسم‌خورده اسلام و اهل بیت(ع) قرار می‌گیرند.

**۵- دروغ و جعل**

زشت‌ترین و خطرناک‌ترین دروغ‌ها، دروغ بستن به خداوند متعال، پیامبر خدا(ص) و اهل بیت(ع) است که از گناهان کبیره شمرده شده و موجب بطلان روزه نیز می‌گردد. مرتیه‌سرایی‌ای که بدون سند معتبر، دروغ‌ها و جعلیاتی را به خدا و اهل بیت(ع) نسبت می‌دهند، نه تنها خادم و ذاکر امام حسین(ع) نیستند، بلکه یابیدانند که کار آنها گناه کبیره به حساب می‌آید و موجب پامال شدن آثار و برکات نهضت مقدس حسینی می‌گردد. حقیقتا برای بسیاری از مردم، باور کردن این قضیه سخت است که روضه‌خوانی، به دروغ مرتیه‌سرایی کند، ولی در نهایت تأسف، باید به این واقعیت تلخ یعنی دروغ‌پردازی و اضافه کردن جعلیات برخی روضه‌خوانان و مرتیه‌سرایان اعتراف کرد و بر این مصیبت بزرگی که تاریخ عاشورا بدان مبتلا گردیده، بیش از مصیبت خود عاشورا باید گریست!

**۶- بدعت در نحوه عزاداری**

آسیب‌هایی را که تاکنون برشمردیم، آفاتی هستند که محتوای مجالس عزاداری سیدالشهداء را تهدید می‌کنند، اما شماری از آفات مربوط به شکل، چگونگی، شیوه و روش عزاداری می‌شوند. از نظر فقهی، عبادات اعم از واجب یا مستحب، توقیفی هستند، بدین‌معناکه اصل عبادت و چگونگی آن، باید توسط ادله شرعی اثبات شود، در غیر این‌صورت، عملی که به عنوان عبادت انجام می‌شود، بدعت محسوب می‌گردد، و نه‌تنها مطلوب نیست، بلکه ممنوع و حرام است! استحباب عزاداری برای سالار شهیدان، بر پایه ادله قطعی، ثابت است و با عنایت به آثار و برکات فردی و اجتماعی آن، از بزرگ‌ترین عبادات محسوب می‌گردد. اما درباره چگونگی انجام گرفتن این عبادت، معیار عزاداری‌های مرسوم در عصر صدور روایات مربوط به این عزاداری است، بلکه می‌توان گفت: اطلاق این روایات، شامل انواع عزاداری‌های مرسوم در اعصار مختلف نیز می‌شود، مشروط بر اینکه عنوان عزاداری بر آنچه رایج شده، صدق کند، و موجب وهن مکتب اهل‌بیت(ع) نگردد و یا همراه با انجام دادن عملی نامشروع نباشد!

بنابراین آنچه در برخی از مجالس عزاداری به تدریج هر مرسوم شده مانند: استفاده از شمایل اهل‌بیت(ع)، قمه‌زنی، زنجیرزنی‌های غیرمتعارف، استفاده از ادوات و موسیقی‌های نامناسب و... بدعت در عزاداری محسوب می‌شود، و موجب وهن مکتب تشیع و مسخ ارزش‌ها می‌باشد.

## سلوک عارفانه

### گریه و روضه امام حسین(ع)

### آدم‌ساز است

این روضه و این گریه آدم‌ساز است. انسان درست می‌کند. این مجالس روضه‌ایان مجالس عزای سیدالشهداء، این تبلیغات بر ضد ظلم، این تبلیغ بر ضد طاغوت است. بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد.<sup>(۱)</sup>

۱- صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۲۰

## صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

**تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۹۴۱۹۹۱ – ۰۲۳۲۱۰۲۲۲۱**
**Maarefkayhan@Kayhan.ir**